

تقریر : مجدالعلی بوستان

تحریر : بهمن بوستان



● قوام السلطنه

قوام السلطنه وعضدالتولیه

خاطره‌ای

از

مرحوم میرزا احمد قوام (قوام السلطنه) ! که نزد همه کس بیشتر به یک رجل سیاسی معروف است دارای فضائل و سجایای معنوی و اخلاقی فراوانی نیز بود که بخاطر اشتهار و اشتغالش به سیاست و سیاست پیشگی این فضائل از نظرها دور مانده و حتی جای جای می بینیم که مورد تنفر و انزجار مردم نیز قرار گرفته است .

نتایج سوء این برداشت اجتماعی تنها گریبانگیر مرحوم قوام السلطنه نشده بلکه سیاست پیشه‌های با فضیلت دیگری در ایران و کشورهای دیگر دنیا نیز بهمین سرنوشت دچار شده‌اند .

در مورد مرحوم شادروان سیدحسن تقی زاده می بینیم که آنهمه فضائل علمی و ادبی و اخلاقی او بکلی فراموش شد و نظرها فقط متوجه جنبه سیاسی و ملی او شد و چه بسیار سخن‌ها که در باره‌اش بر سر زبانها افتاد .

در جای دیگر باز می‌بینیم که همه فضائل علمی و ادبی و بخصوص شم فلسفی مرحوم وثوق الدوله (حسن وثوق) بکلی نادیده گرفته شده است .

تاریخ نشان داده است که کمتر اتفاق می‌افتد که رجال با فضیلت سیاست‌مثل مارشال هندنبورگ و مارشال دوگل در زمان حیات و نیز بعد از مرگ از محبوبیت عامه برخوردار باشند . وقتی بسنجیم می‌بینیم منفور واقع شدن مرحوم قوام‌السلطنه در اذهان مسردم بیش از دیگران بوده تا آنجا که هنوز کسی نتوانسته است بدرستی از خلیقات و فضائل مرحوم قوام‌السلطنه آنچنان پرده بردارد که تحت تاثیر این فضائل آثار آن نفرت عمومی از اذهان زدوده شود .

حقیقت ترجمان حال یا بیوگرافی مرحوم قوام‌السلطنه را شادروان مرحوم مدرس در یک جمله بیان داشته و گفته است :

" قوام‌السلطنه شمشیری است دودم که هر دو لبه این شمشیر تیز و برنده است . واقعیت هم همین است چراکه قوام‌السلطنه در عرصه سیاست مردی بود . با جزیره زیرک ، با طمانینه و قاطع‌الرای حقوق‌زیردستان ، یاران و همکاران را هر یک در حد خود نگاه میداشت و همه این گروه در عین احترام رعبی نهائی از او بدل داشتند که نتایج‌اش این بود که در امر سیاست کار بر مدار می‌گشت .

اما در زمینه معنویات هم قوام از دانش کافی و ذوق بهره‌مند بود خط و ربطی خوش و نیکو داشت ، از مهلکات اخلاقی میرا بود عادت به شرب مسکرات و کشیدن تریساک و غیره نداشت .

اما چون همیشه خود را تافته جدا بافته می‌انگاشت و می‌پنداشت که غیر از همه مردم است ، فضائلش فراموش و موردانزجار مردم قرار می‌گرفت بحدی که مردم او را دشمن می‌انگاشتند . مرحوم قوام‌السلطنه همیشه دوست میداشت در اوقات فراغت و خارج از کار سیاست با عده‌ای که خود با دقت انتخابشان میکند در گوشه دنجی یا میان باغی وحاشیه‌جویی‌های بنشیند و با بحث در زمینه‌های علمی و ادبی و احتمالا " گهگاه بازی نرد و شطرنج لحظاتی را بگذراند شرط‌انتخاب افراد برای حاشیه‌نشینی حضور و شرکت در محضر قوام‌السلطنه با فضل بودن شخص و تربیت اخلاقی واجتماعی او بود بعلاوه منتخب باید این شرط را نیز دارا باشد که نهایت ادب و احترام و مراتب تعبد را نیز در محضر قوام‌السلطنه بجای آورد . (لقب حضرت اشرف هم عنوانی بود که همین حاشیه‌نشین‌ها از روی مبالغه در ارائه

ادب و تقدیم مراتب احترام به قوام‌السلطنه داده بودند) (۲)

قوام السلطنه از اواخر فروردین ۱۲۹۷ هجری شمسی تا آخر فروردین ۱۳۰۰ هجری شمسی بمدت کمی بیش از سه سال بعنوان والی خراسان با نهایت حرپزه و اقتدار در این ایالت حکمرانی کرد و طبق رویه‌ای که داشت عدای از فضلا و بزرگان مشهد را برای هم‌نشینی در ایام فراغت برگزیده بود که از آن جمله می‌توان برای نمونه از این افراد نام برد : مرحوم محمدحسن میرزا (معتضدالسلطنه) (۳) مرحوم اقبال التوالیه (پدر مرحوم دکتر منوچهر اقبال) که بعدها به وساطت قوام السلطنه ملقب به مقبل السلطنه شد ، و مرحوم عضدالتولیه (۴) مهرداد آستان قدس رضوی که از سادات فاضل و وارسته و نیک سیرت زمان خود بود .

قوام السلطنه روزهای جمعه را معمولا" در باغ احمدآباد و یا ملک آباد (از املاک مرحوم حاج حسین آقا ملک) میگذراند .

برنامه هم معلوم بود ، بحث و گفتگوی علمی ، صرف یک ناهار مفصل برسفره حاکم ، صرف چای ، احتمالا" استعمال سیگار ، و بعد در فواصل بازی شطرنج و تخته نرد ، و همه اینها باید با رعایت کامل ادب و مخصوصا" احترام فراوان به حضرت اشرف ؛ باشد . ضمنا در این مجلس بلند خندیدن و بلند بلند حرف زدن مطلقا" ممنوع بود .

یکی از جمعها که حضرت اشرف و یاران در ملک آباد بودند هنگام ناهار و سر سفره مرحوم عضدالتولیه خنده بلندی سر میدهد که حضرت اشرف ! ناراحت می‌شود و بتصور اینکه عضدالتولیه در اثر استعمال مشروب مست کرده به معتضدالسلطنه می‌گوید :

" به عضدالتولیه بگو : چون برخلاف ادب مست باین مجلس آمدمای ازین پس افتخار شرکت درین جمع از تو سلب می‌شود و لازم نیست دیگر بیائی ؟"

مرحوم عضدالتولیه که از شعرای خوب و ممتاز بود از شنیدن این پیغام ناراحت میشود و رباعی ذیل را می‌سازد و بدست معتضدالسلطنه می‌سپرد تا بعنوان شفاعت بعرض حضرت اشرف ! برساند :

رباعی

ای حضرت اشرف ای جهان‌را توقوام دارم سخنی جواب فرمای تمام
درمذهب ما که میسر و خمیریکی است این ازچه حلال گشت و آن ازچه حرام ؟
شاهزاده محمدباقر میرزا اعتضادی فرزند معتضدالسلطنه از قول پدر خود نقل می‌کند که باین امید که خواندن این رباعی باعث شود دوباره عضدالتولیه در جمع ما شرکت کند ، در موقع مناسبی رباعی را برای قوام السلطنه خواندم ، وقتی تمام شد حضرت اشرف بلادرنگ و با تغییر گفت : " حالا دیگر عضدالتولیه مطلقا" نباید به مجلس ما حاضر

شود " و از آن پس دیگر کسی مرحوم عضدالتولیه را در محضر قوام السلطنه ندیدند ، گویا حضرت اشرف ۱ این رباعی را نیز یک نوع گستاخی قلمداد کرده بود .

شروح حاشیه :

۱ - میرزا احمد قوام السلطنه متولد ۲۳ ذی الحجه ۱۲۹۴ و متوفی در روز شنبه سوم ذی الحجه ۱۳۷۴ هجری قمری = ۳۱ تیرماه ۱۳۳۴ هجری شمسی .

وی علاوه بر مشاغل مهم سیاسی و مملکتی از اواخر ماه فروردین سال ۱۲۹۷ هجری شمسی بعنوان والی ایالت خراسان وارد مشهد مقدس شد و تا عصر روز شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۰۰ شمسی = ۲۳ ماه رجب ۱۳۳۹ هجری قمری که بدست شهید راه آزادی کلنل محمدتقی خان پسیان بازداشت شد بر ولایت خراسان حکومت کرد .

۲ - در ادبیات و مکاتبات همزمان قوام السلطنه بخصوص در خراسان هرکجا که از " حضرت اشرف " ذکری می‌بینیم مراد قوام السلطنه است .

سراشی پورسعدی شاعر خوب و دلسوخته شیرازی متوطن در خراسان که شرح احوالشن در مجله گرامی وحید آمده ، در تأدیه پولی که بزور از او گرفته‌اند خطاب به قوام السلطنه ساخته است :

از حضرت اشرف نه فرس می‌خواهم نه مملکت تون و طیس می‌خواهم

زن ... رئیس مستغلات از من بیست و دو قران گرفته پس می‌خواهم

۳ - مرحوم شاهزاده محمدحسن میرزا ملقب به معتضد السلطنه فرزند اعتضاد السلطنه معروف که مدتی حاکم شهر مشهد نیز بوده است .

۴ - از مرحوم شادروان عضدالتولیه جز همین لقب و چند بیت از غزلی که باقتفاء

غزل خواجه حافظ شیرازی ساخته و سالها قبل در مجله ارمغان چاپ شده نشان دیگری در دست نیست .

غزل چنین شروع می‌شود :

بنای خانه تقوی خراب می‌بینم

به پیچ و خم بکن آن دوزلف خویش که من

و بعد :

" غلام پیر مغانم که بر در کرمش

دعای پیر و جوان مستجاب می‌بینم "

جا دارد استاد معظم جناب آقای میرسد محمود خان فرخ‌کشتی‌بان سفینه دانشوران

خراسان اگر از آثار منظوم و یا منثور ابن عم خود مرحوم عضدالتولیه جز آنچه در سفینه

فرخ " آمده نمونه‌هایی در دست دارند از روی لطف بهمراه شرح حالی حاوی نام و نشان

کامل آن شادروان برای مجله وحید ارسال فرمایند تا برای آگاهی علاقمندان بچاپ برسد.